



Iranian Languages Corpora

www.irancorpora.com

21311015

Boirahmadi Mârgun

Memory, Hunting in Dena Mountains 2

Consultant: Molla Gheyzan Jahan

Location: Iran, Boirahmad, Mârgun

Collector: Esfandiar Taheri

Date: August 2008

Digitized, translated and transcribed by:
Esfandiar Taheri

۲۱۳۱۱۰۱۵

بویراحمدی مارگون

خاطراتی از شکار در کوههای دنا، بخش دوم

گویشور: ملا غیزان جهان، اهل مارگون، بویراحمد

گردآورنده: اسفندیار طاهری

تاریخ: مرداد ۱۳۸۷

پردازش دیجیتالی، آوانویسی و ترجمه: اسفندیار طاهری

2

00:00:06,350 --> 00:00:07,850

tefangom eškās

[مگسک] تفنگم شکست

3

00:00:08,150 --> 00:00:11,750

ya âheni xom dārōs kerdom bēsom va jâ-š

یک آهنی خودم درست کردم انداختم به جایش

4

00:00:12,200 --> 00:00:16,400

ya iċāno bardi nahâm men ya šāli nahâm men ya bardi va u bâlâ

یک سنگ اینطوری گذاشتم داخل یک تکه گلی گذاشتم بالای روی یک سنگی آن بالا

5

00:00:16,450 --> 00:00:18,250

təfang a-š bēsom za men del-eš

تفنگ بهش انداختم زد وسطش

6

00:00:18,550 --> 00:00:20,800

dəbâra umam va i bâl

دوباره آمدم به اینطرف

7

00:00:21,100 --> 00:00:24,750

ya kapārali dâštimun tâ ya kʷowgi hey ixune

یک کپرهایی داشتیم دیدم تا یک کبکی دارد آواز می خواند

8

00:00:24,950 --> 00:00:28,650

men ya alāfali hey irā hey igō kâ kâ kâ

توی یک علف هایی داشت می رفت و داشت می گفت کا کا کا

9

00:00:28,800 --> 00:00:31,800

va tefangaku va—š bēsom. zir i bâl—eš za , zir u bâl—eš rā va dar

با تفنگ بهش (تیر) انداختم. زد زیر این بالش، زیر آن بالش بیرون زد

10

00:00:32,000 --> 00:00:34,700

bordəm—eš ya mēmūnali dâštimū

بردمش (خانه)، یک مهمان هایی داشتیم

11

00:00:34,950 --> 00:00:38,550

gōtom kʷowg a kabâb kənit tâ ham bey šum bexarim

گفتم کبک را هم کباب کنید تا با شام بخوریم

12

00:00:38,700 --> 00:00:44,850

də tâ bēbahuni bi vo Key Sadif bi vo se—câr tâ va ingal xəmun bi

دو بهبهانی بود و کی صدیف بود و سه چهار تا از [بستگان] خودمان بود(ند)

13

00:00:45,000 --> 00:00:48,700

gōten yə-na va i diyi ke ham iso bāsi zeyi ? gōtom hâ

گفتند این [کبک] را با همین مگسکی که حالا بستی زده ای؟ گفتم بله

14

00:00:49,050 --> 00:00:53,650

gōtom ixom beram va šekâl sōbgey ar xodâ xâs

گفتم می‌خواهم بروم به شکار صبح زود، اگر خدا خواست

15

00:00:53,850 --> 00:00:56,700

ixom ya xigi dârom gapu-a

می‌خواهم یک خیگی دارم بزرگ است

16

00:00:56,750 --> 00:01:01,100

ya pâzan gapui bezanom pus-š a si-m Məlâ Hasan xig kâne

یک پازن بزرگی بزمن پوستش را ملا حسن برایم خیگ درست کند

17

00:01:01,200 --> 00:01:02,850

ke ruğan ikānen men-eš

که روغن می‌کنند داخلش

18

00:01:03,000 --> 00:01:05,450

gō izani kiya-neš ? gōtom izanom men sar-eš

گفت می‌زنی کجایش؟ گفتم می‌زنم توی سرش

19

00:01:05,550 --> 00:01:07,000

ke eyb nakāne pus-eš

که پوستش آسیب نبیند

20

00:01:07,150 --> 00:01:08,650

hâ ba Ali

آره، به علی قسم

21

00:01:08,900 --> 00:01:11,900

gō tē zeyi men sar-š m-am pus-š-a si-t

گفت اگر تو زدی توی سرش من هم پوستش را برای [خیگ می کنم]

22

00:01:12,150 --> 00:01:16,700

sōb iram a kō vo seyl ikənom ya jey dā tâ pāzan ibinom

گفتم می‌زنم توی سرش. صبح می‌روم به کوه و نگاه می‌کنم یک جایی دو پازن می‌بینم

23

00:01:16,900 --> 00:01:19,900

gōtom išâ ham ičo bešinit tâ mo beram bâlâ-šun

گفتم شما همین جا بنشینید تا من بروم بالایشان

24

00:01:20,000 --> 00:01:22,550

rātom bâlâ-šū umam a zir

رفتم بالایشان بعد آمدم پایین

25

00:01:22,750 --> 00:01:27,900

bol kerdēn vo ya pelei bəlandi , ya bol kē veysâ

پرش کردند و یک بلندی بود، یک پرش کرد و ایستاد

26

00:01:28,150 --> 00:01:31,300

tefang a va-š čakniom men i rag pas sari-š zey ičəno rā va dar

تفنگ را بهش شلیک کردم، زد تو خط پشت سرش اینطوری آمد بیرون

27

00:01:31,450 --> 00:01:35,800

yaki da-š do bol kē , va-š bēsom zam men do gond-eš men sina-š

... آن یکی دیگرش دو پرش کرد [تیر] بهش انداختم زدم توی دو بیضه اش از توی سینه اش

28

00:01:36,150 --> 00:01:40,000

sōbgey âvordəm-eš , pâzanaku na si-m kē va ya xigi

صبح زود آوردمش، [پوست] همان پازن را برایم کرد به یک خیگی